

The actions of the caliphs of the first Abbasid era (132-232 A.H.) in line with the realization of professional ethics in the market

Siddiqa Qasimpour¹ | Shukrale Khakrand²
(DOI): [10.22034/skh.2023.14345.1336](https://doi.org/10.22034/skh.2023.14345.1336)

Abstract

Original Article

P 7-29

Professional ethics is considered a regulatory necessity in every society, which expresses the moral duties and responsibilities of every profession. In the first era of the Abbasid caliphate (132-232 A.H.), political stability was established in the society with the continuous efforts of the caliphs of this era. After establishing political peace, the development of economic activities was one of the other goals of the caliphs of this era, which was necessary for the survival of the newly established government. Markets were considered the main center of economic activity. With the transfer of the capital of the Abbasid caliphate from Syria to Baghdad and the provision of the necessary infrastructure, many professionals with different cultures went to the center of the caliphate to do business there. This caused the concentration of the population in cities and the specialization of work. This new urban society in Islamic civilization caused various elements from other civilizations to gather together and provide the basis for the use of various civilizational achievements. According to the characteristics of this era, professional ethics as a regulatory factor of professions found a coherent structure and was more and more noticed by the Caliphs and they tried to realize the necessary foundations for its implementation .

This research tries to address the question with a descriptive-analytical approach, what measures did the caliphs of the first Abbasid era think to establish professional ethics in the society and what solutions did they implement in this field? The results of this research showed that the caliphs of this era played an important role in realizing professional ethics by choosing efficient ministers and governors, organizing the tax system, adopting the spirit of tolerance, providing raw materials needed by professionals, developing trade, monitoring the market and helping marketers in critical situations.

Keywords: Abbasid era, actions of caliphs of the first era, professional ethics, market.

1. PhD in Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran (corresponding author). S.ghasempoor257@gmail.com
2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran. s.ghasempoor257@gmail.com

Received: 2022/08/23 | Accepted: 2023-06-10



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

اقدامات خلفای عصر اول عباسیان (۲۳۲-۵۱۳۲.ق.) در راستای تحقق اخلاق حرفه‌ای در بازار

صدیقه قاسم‌پور (نویسنده مسئول)^۱ | شکراله خاکرند^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2023.14345.1336](https://doi.org/10.22034/skh.2023.14345.1336)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۲۹/۷

چکیده

اخلاق حرفه‌ای ضرورتی انتظام‌بخش در هر جامعه‌ای به شمار می‌رود، که به بیان وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی هر حرفه‌ای می‌پردازد. در عصر اول خلافت عباسیان (۲۳۲-۵۱۳۲.ق.)، با تلاش بی‌وقفه خلفای این عصر، ثبات سیاسی در جامعه برقرار گردید. پس از برقراری آرامش سیاسی، توسعه فعالیت‌های اقتصادی از دیگر اهداف خلفای این عصر بود که جهت بقای حکومت تازه تأسیس ضروری بود. بازارها، اصلی‌ترین کانون فعالیت اقتصادی محسوب می‌شدند. با انتقال پایتخت خلافت عباسی از شام به بغداد و فراهم شدن بسترهای لازم، صاحبان حرف زیادی با فرهنگ‌های متفاوت راهی مرکز خلافت شدند تا در آنجا به کسب و کار بپردازند. این امر سبب تمرکز جمعیت در شهرها و تخصصی شدن کارها گردید. این اجتماع شهری جدید در تمدن اسلامی سبب گردید تا عناصر مختلفی از سایر تمدن‌ها کنار یکدیگر جمع شده و زمینه بهره‌گیری از دستاوردهای تمدنی مختلف را فراهم آورند. نظر به ویژگی‌ها این عصر، اخلاق حرفه‌ای به عنوان عامل انتظام-

^۱ . دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز،

ایران (نویسنده مسئول). S.ghasempoor257@gmail.com

^۲ . دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

khakrand@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰



بخش حرفه‌ها ساختار منسجمی پیدا کرد و بیش از پیش مورد توجه خلفا واقع شد و سعی کردند بسترهای لازم را برای اجرایی شدن آن تحقق بخشند.

این پژوهش سعی دارد با رویکرد توصیفی-تحلیلی به این پرسش بپردازد که خلفای عصر اول عباسیان جهت برقراری اخلاق حرفه‌ای در جامعه چه تدابیری اندیشیدند و چه راهکارهایی را در این زمینه اجرایی کردند؟ دستاوردهای این پژوهش نشان داد که خلفای این عصر با انتخاب وزیران و والیان کارآمد، سازماندهی نظام مالیاتی، در پیش گرفتن روحیه تساهل و تسامح، تأمین مواد اولیه مورد نیاز صاحبان حرف، توسعه تجارت، نظارت بر بازار و کمک به بازاریان در شرایط بحرانی نقش مهمی در تحقق اخلاق حرفه‌ای داشتند.

واژگان کلیدی: عصر عباسیان، اقدامات خلفای عصر اول، اخلاق حرفه‌ای، بازار.

مقدمه

اخلاق امری است که در تمامی جوامع بشری با وجود اختلاف‌هایی در شکل و جزئیات، وجود داشته و همواره با بار ارزشی خود الزاماتی را برای پیروان خود ایجاد می‌کرده است. این الزامات متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیای آن جامعه نظامی را برای آن به ارمغان می‌آورد که ادامه حیات آن جامعه را تضمین می‌نماید. اخلاق زیر شاخه‌های متعددی دربردارد که اخلاق حرفه‌ای یکی از گسترده‌ترین شاخه‌های آن می‌باشد که اصولاً دربردارنده یک سری از بایدها و نبایدهایی است که برای انتظام امور شغلی هر صنفی تعریف می‌شود.

وجود اخلاق در حرفه از چند جهت اهمیت دارد. نخست اینکه اعتمادآفرینی می‌کند. به این منظور که خریداران یا خدمات گیرندگان، در ابتدا به اخلاق صاحبان حرف در هنگام کسب و کار توجه می‌کنند و سپس اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند. دوم اینکه اعتمادآفرینی نه تنها باعث ماندگاری فعالیت صاحبان آن حرفه می‌گردد، بلکه موجب استمرار و بقای آن نیز می‌شود و در رقابت با دیگران بهتر می‌تواند عمل کند. سوم اینکه وجود اخلاق در حرفه مخصوصاً در کارهای گروهی موجب ایجاد انگیزه و تلاش و کوشش می‌شود تا افراد با مسئولیت بیشتری به فعالیت بپردازند و مدام به دنبال افزایش مهارت‌هایشان باشند تا از راه شایسته به اهداف خود دست یابند و ارتقا پیدا کنند.

همه حرفه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، اخلاق حرفه‌ای مختص خود را دارند. اما بازار، به دلیل اینکه حرفه‌های متعددی را در برمی‌گیرد و در آن امکان برقراری ارتباط بیشتری با مردم فراهم می‌گردد، اخلاق در میان حرفه‌های موجود این ظرف مکانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. عملی شدن اخلاق حرفه‌ای به عوامل متعددی بستگی دارند. حکومت‌ها، با سیاست‌هایشان نقش مهمی در اجرایی شدن اخلاق حرفه‌ای توسط صاحبان حرف دارند. میان حکومت و اخلاق حرفه‌ای رابطه تنگاتنگی وجود دارد. حکومت برای داشتن اقتصاد پایدار، نیازمند رعایت اخلاق توسط صاحبان حرف می‌باشد و صاحبان حرف نیز برای پیشرفت اخلاقی در حرفه‌شان، نیازمند ایجاد و فراهم شدن بسترهای مناسب از طرف حکومت می‌باشند.

در عصر جاهلیت، نه تنها حکومتی وجود نداشت، بلکه حتی الگوی مناسب اقتصادی و اجتماعی وجود نداشت و همه چیز در رابطه با قبیله، معنا و مفهوم پیدا می‌کرد و تمامی مناسبات اقتصادی از اخلاق به دور بودند. با ظهور دین اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، مدینه‌النبی - اولین شهر اسلامی - با اخلاق اسلامی تأسیس شد. پیامبر اسلام (ص) جهت انتظام بخشیدن به مناسبات اقتصادی و برقراری اخلاق حرفه‌ای، بازاری را مختص صاحبان حرف مسلمان ایجاد کردند تا در آنجا

مطابق با مبانی و اخلاقی دین اسلام رفتار کنند. آن حضرت در همین راستا، هر روز بر آن‌ها نظارت می‌کردند و توصیه‌های اخلاقی لازم در هر حرفه‌ای را بیان می‌نمودند. بعد از رحلت پیامبر (ص)، هرچند نظارت بر بازار توسط خلفا در جهت تحقق اخلاق حرفه‌ای صورت گرفت. اما با آغاز فتوحات و سرازیر شدن ثروت به سرزمین‌های اسلامی و عدم تربیت دینی، اخلاق مردم به تدریج در حال تغییر بود. در عصر اموی، با گسترش فتوحات و عدم توجه خلفا به رعایت اخلاق سبب افزایش رذیلت‌های اخلاقی در همه سطوح جامعه گردید. در آستانه ظهور خلافت عباسیان، ضعف خلفای اموی در اداره امور از یک سو و اتخاذ سیاست‌های ناکارآمدی همچون اخذ مالیات و خراج بیش از حد از صاحبان حرف در راستای تجمل‌گرایی، زمینه را برای افزایش رذایل اخلاقی فراهم ساخته بود.

با گسترش رذایل اخلاقی و ضعف خلفا در مدیریت جامعه، روز به روز بر تعداد ناراضیان افزوده - گشت. معترضان که به دنبال راه نجاتی بودند، از هر جریان مخالف حامی برپاکننده اخلاق حمایت می‌کردند. عباسیان که خود را نواده پیامبر (ص) معرفی کرده بودند با شعار اخلاقی توانستند جریان - های مخالف را به سمت خود جلب کنند و زمینه را برای به قدرت خود فراهم سازند.

از زمان شروع قیام‌های عباسیان، مناطق مختلف جهان اسلام درگیر جنگ‌ها و هرج و مرج - های زیادی شد. با تسلط عباسیان بر شام، این منطقه از مرکزیت جهان اسلام خارج شد و جای خود را به عراق داد. با تأسیس شهر بغداد و توسعه سریع آن از یک طرف و ویرانی‌های پیشین ناشی از جنگ از طرف دیگر، اخلاق حرفه‌ای جهت ایجاد نظم در بازار به یک ضرورت تبدیل شد. همین امر سبب گردید تا خلفای عصر اول عباسیان (۲۳۲-۱۳۲ ه.ق.) که مصادف با خلافت ابوالعباس سفاح تا پایان واثق می‌باشد، به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی همچون نیرومندی خلافت، استقلال کامل آن، متمرکز بودن بودن قدرت در دست خلفا و توانایی آن‌ها در اداره و یکپارچگی حکومت، اقدامات متعددی را را در راستای اجرایی شدن اخلاق در میان صاحبان حرفی که در بازارهای بغداد به فعالیت مشغول بودند، انجام دهند.

در راستای بررسی اقدامات خلفای عصر اول عباسیان در جهت تحقق اخلاق حرفه‌ای، پژوهشی صورت نگرفته است. اما با این حال می‌توان مطالبی را به صورت غیر مستقیم در لابلای برخی از کتاب‌ها و مقالات بدست آورد. شیخلی (۱۳۶۲) اصناف در عصر عباسی را مورد بررسی قرار داده است. این نویسنده مطالبی را در مورد نقش اصناف در اخلاق حرفه‌ای بیان کرده است، لیکن به تدابیر خلفا در تحقق آن نپرداخته است. ربانی‌زاده (۱۳۹۱) به بررسی گردش نظام پولی خلافت عباسیان در قالب چک و سفته پرداخته است. این مقاله فقط به یکی از راهکارهای خلفا اشاره کرده و

دیگر عوامل را مورد بررسی قرار نداده است. مکی (۱۳۹۸) تمدن اسلامی در عصر عباسیان را مورد بررسی قرار داده است. در این کتاب اطلاعات متعددی در زمینه‌های مختلف بیان شده است؛ اما به اخلاق حرفه‌ای و اقدامات خلفا در توسعه آن اشاره‌ای نشده است. این پژوهش جهت بررسی این موضوع، ابتدا نقش خلفا در تمرکز و تثبیت اوضاع سیاسی را بررسی و سپس به بازارهای این عصر و اقدامات خلفا در اجرایی شدن اخلاق حرفه‌ای در این مکان اقتصادی پرداخته است.

نقش خلفا در تمرکز نظام دیوان‌سالاری

ظلم و ستم‌های بیش از حد خاندان اموی، ایجاد آشوب‌ها و اختلاف و دو دستگی‌های داخلی میان خاندان اموی، زمینه را برای ظهور قدرت جدیدی فراهم ساخت. آزار و اذیت آن‌ها به علویان، موجب گردید تا عباسیان این فرصت را غنیمت شمارند و در سالهای پایانی خلافت امویان، گروه‌های مخالف به‌ویژه علویان را به سمت خود جلب کنند. آن‌ها دعوت خود را به صورت پنهانی و به کمک داعیان با هدف احیای سنت و برپایی عدالت، با شعار اخلاقی - سیاسی «الرضا من آل محمد» شروع کردند تا بتوانند نمایندگان اخلاقی جامعه که علویان مهمترین آن‌ها به شمار می‌رفتند را با خود همراه کنند. (مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۰۱)

ابوالعباس سفاح (حک: ۱۳۶-۱۳۷ ه.ق.) اولین خلیفه عباسیان، پس از رسیدن به خلافت، سخنرانی خود را با معیار و هدف اخلاقی شروع کرد. چنانکه قرابت خانوادگی خود را به الگوی اخلاقی جهان اسلام - پیامبر (ص) - رساند تا بدین طریق اعلام کند که هیچ کسی به غیر از ما نمی‌تواند هدف پیامبر (ص) را دنبال کند و اخلاق را در جامعه گسترش دهد. (طبری، ۱۳۶۲، ج ۱۱: ۲۶۱۸)

پس از سفاح، منصور (حک: ۱۵۸-۱۳۷ ه.ق.) جانشین وی گردید که به حق بایستی او را بنیان‌گذار واقعی حکومت عباسیان دانست. وی در راستای تثبیت اوضاع سیاسی و پیشرفت اوضاع اقتصادی تلاش‌های زیادی انجام داد. مقارن با زمان خلافت وی، شورش‌های متعددی چه از سوی خویشاوندان مخالفت و چه از سوی قدرت‌های بیگانه شکل گرفت، که منصور توانست با تدبیر سیاسی، اوضاع را کنترل کند. (ابن‌اثیر، ۱۳۸۴، ج ۸: ۳۵۳۱)

پس از منصور، دوران ده ساله خلافت مهدی (حک: ۱۶۹-۱۵۸ ه.ق.)، دوره انتقال از خشونت و سرکوب خلفای پیشین به اعتدال و نرم‌خویی خلفای بعدی بود. (مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۱۹) وی خلافت را با جلب رضایت مردم شروع کرد؛ از این رو، اموالی را که در دوران پدرش مصادره شده بود، را به صاحبانش برگرداند و برای نخستین بار به دادخواهی نشست و به شکایت‌های مردم رسیدگی

کرد. (ابن طقطقی، ۱۳۵۰: ۲۴۳) هرچند این اقدام، در راستای کسب مشروعیت سیاسی بود و بدین‌وسیله می‌خواست مشروعیت خویش را مبنی بر اشاعه عدالت و رفع ظلم به مردم نشان دهند. اما همین که شخصاً به دعوی‌ها و شکایت‌ها رسیدگی می‌کردند و با معضلات اخلاقی در سرزمین‌های اسلامی تحت سیطره آشنا می‌شد، می‌توانست اقدام مؤثری بر کاهش رذایل اخلاقی باشد. اهتمام وی در این امر به اندازه‌ای بود که حتی دستور داد خانه‌ای با پنجره‌ای آهنین بسازند تا شاکیان نامه‌های خود را در آن اندازند. (مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۲۲)

خلافت هارون (حک: ۱۹۳-۱۷۰ ه.ق.) یکی از دوران‌های طلایی در عصر عباسیان به شمار می‌رود. در این زمان، خلیفه توانست با کمک وزیران ایرانی‌اش حکومت را سامان بخشد و تلاش‌های زیادی در راستای توسعه اقتصادی انجام دهد. آرامش سیاسی و اقتصادی این عصر چنان برقرار بود که به «ایام-العروس» - که نشان از شادی و خوشحالی مفرط است - مشهور بود. (دخیل، بی‌تا، ۱۰۳)

پس از هارون، درگیری میان دو برادر امین و مأمون، آن‌ها را وارد جنگ خانوادگی کرد که تبعات منفی بر زندگی صاحبان حرف و به تبع بر اخلاق حرفه‌ای داشت. در این جنگ، اولین پیامد منفی، ایجاد ناامنی، غارت، آتش‌سوزی اجناس صاحب حرف و قطع راه‌های ارتباطی بود که در نهایت به کمبود کالا و رشد رذایل اخلاقی همچون گرانی و احتکار منجر گردید. (طبری، ۱۳۶۲، ج ۱۴: ۶۱۱۹)

جنگ میان دو برادر در نهایت با پیروزی مأمون (حک: ۲۱۸-۱۹۸ ه.ق.) به اتمام رسید. وی که از هوش و استعداد بالایی برخوردار بود به کمک فضل بن سهل اوضاع را به خوبی کنترل کرد و سعی کرد خسارت‌های ناشی از این جنگ‌ها را سریع برطرف کند تا خلافت دچار بحران نشود. از این رو، سریع به دنبال جذب علویان - که مهمترین مخالف سیاسی و اخلاقی وی به شمار می‌رفتند - برآمد و در همین راستا ولایتعهدی را به امام رضا (ع) پیشنهاد کرد. (عاملی، ۱۳۹۹: ۳۳۰)

با روی کار آمدن معتصم (۲۲۷-۲۱۸ ه.ق.) درگیری میان نیروهای ایرانی و عرب بسیار اوج گرفته بود. از این رو، این خلیفه سعی کرد جهت توازن سیاسی، از نیروی جدید ترکان استفاده کند و اداره امور را به دست آن‌ها بسپارد. (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ج ۸: ۳۴۷۷) این تصمیم هرچند در کوتاه‌مدت و در زمان این خلیفه مفید واقع شد، اما تبعات منفی در دوران بعد به جا گذاشت.

با انتقال مرکز خلافت جهان اسلام از شام به بغداد و تثبیت پایه‌های خلافت عباسیان در سایه تلاش‌های خلفای عصر اول عباسی، آرامش در جامعه برقرار گردید. پس از ثبات سیاسی، پیشرفت اوضاع اقتصادی هدف بعدی خلفای این عصر به شمار می‌رفت. بازارها، نبض فعالیت اقتصادی به شمار می‌رفتند که توجه به آن از همان ابتدا مورد توجه خلفا واقع شد.

بازار در عصر اول عباسی

بازار یکی از عالی‌ترین و عملی‌ترین مرکز برای تجارت و کسب و کار بوده که بشر تاکنون برای خود ابداع کرده است. سوق به معنی بازار، در اصطلاح مکانی بود که خریداران و فروشندگان در آنجا جهت خرید و فروش جمع می‌شدند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۱۶۷) در این مکان اقتصادی، صاحبان حرف متعددی به فعالیت مشغول هستند که می‌بایستی بر اساس اخلاق آن جامعه به کسب و کار می‌پرداختند. نحوه برقراری ارتباط و شیوه معادله کردن فروشندگان با خریداران مهمترین شاخصه در اخلاق حرفه‌ای به شمار می‌رود.

در اوایل عصر عباسیان، بازارها میدان گسترده‌ای برای تولید، توزیع و ارائه خدمات بودند. بازارهای این عصر، هر چند همانند دوران قبل تحت نظارت دولت ساخته و اداره می‌شدند، اما چنان گسترشی یافتند که برای اولین بار در زمان خلافت مهدی، مشمول مالیات گردیدند و بازاریان موظف به پرداخت اجاره مغازه‌ها شدند. (متز، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۴۸)

منصور، دومین خلیفه عباسی، در هنگام تأسیس بغداد در سال ۵۱۴ ه.ق، مکان مناسبی را برای تأسیس بازار اختصاص داد تا واردات و صادرات کالاها به راحتی صورت گیرد و صاحبان حرف بتوانند در کمال آرامش و بدون دردسر به فعالیت مشغول شوند. (لومبارد، ۱۳۹۰: ۹۱)

در این عصر، بازارها به دو شکل موقت و دائمی برپا می‌شدند. اکثر بازارهای دائمی را درون شهرها می‌ساختند تا دسترسی مردم بدان راحت باشد. با گسترش مبادلات تجاری، بازارها در مکان مناسب‌تری همچون نزدیک پل‌ها و نهرها ساخته شدند، تا ورود و خروج کالاها آسان‌تر انجام شود. چنانکه بازارهای بغداد اطراف رودخانه دجله پراکنده بودند. (شیخلی، ۱۳۶۲: ۶۰-۵۹)

با گسترش شهرها و نیاز روزافزون مردم، بر تعداد بازارهای دائمی افزوده شد. چنانکه در هر شهری بازارهای متفاوتی وجود داشت، که نیازهای مردم آن منطقه را برطرف می‌کرد. (متز، ۱۳۶۴، ج ۲: ۵۱۵) اما برخی از شهرها در یک یا چند حرفه خاص چنان تخصص و مهارتی داشتند که مازاد محصولات خود را به سایر شهرها نیز صادر می‌کردند و نمادی مخصوص خود داشتند. چنانکه قزوین به عبا و کفش، فسا به پارچه‌های ابریشمی، اصفهان به قفل، ری به انواع منسوجات سوزن‌دوزی شده، بغداد به پارچه عتابی، بصره به خز، کوفه به خرما، عطر بنفشه، عمامه و تنیس مصر به قصب-های رنگین^۱ مشهور و شناخته می‌شدند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۵۸؛ ابن‌جیبیر، ۱۳۷۰: ۲۷۶)

۱. نوعی پارچه ظریف که از کتان بافته می‌شده است.

بازارها را در مکانی سرپوشیده و به صورت اختصاصی می‌ساختند. چنانکه هر حرفه‌ای بازاری مخصوص خود را داشت. در هر بازاری، تعداد زیادی مغازه که از لحاظ جنس و مواد با یکدیگر مشترک بودند و یک نوع محصول را تولید می‌کردند، در یک راستا یا روبروی یکدیگر قرار داشتند. بازارها را معمولاً به نام جنس یا محصولی که معامله می‌کردند، نام‌گذاری می‌کردند. بازار صابون-فروشان، بازار زرگران، بازار بزازها، بازار آهنگران، بازار کفشگران، بازار عطاران و... نمونه‌ای از اسامی بازارهای این عصر بودند.

این مکان اقتصادی را بر اساس مواد، بو، ابزار مورد استفاده، فضا و صدا از یکدیگر تفکیک و یا در کنار یکدیگر قرار می‌دادند. به طوری که برخی از حرفه‌ها مانند درودگران، قفل‌سازان، آهنگران، حلبی‌سازان و مسگران به دلیل اینکه کارشان با سر و صدا همراه بود در کنار یکدیگر و حرفه‌های دیگری همچون دباغی و سلاخ‌خانه به دلیل داشتن آلودگی و بو در کنار یکدیگر و حرفه‌هایی همچون فروش حیوانات که به فضای بزرگ و باز نیاز داشتند، در مجاور یکدیگر قرار داشتند. علاوه بر موارد ذکر شده، جهت حفظ اجناس مغازه‌داران و عدم ایجاد مشکل برای کالاهای هر حرفه‌ای، حرفه‌های بودار همچون عطاری و عطر فروشی را در کنار نانوائی و طبخی و حرفه‌هایی همچون نانوائی و آهنگری که با آتش همراه است، را در نزدیکی پارچه‌فروشی قرار نمی‌دادند. (شیزری، ۱۴۲۴: ۲۱۶؛ ابن‌یاسم، ۱۴۲۴: ۲۹۶)

در عصر عباسیان، بازارهای بغداد یکی از کانون‌های مهم اقتصادی این عصر به شمار می‌رفت که صاحبان حرف زیادی در آن به فعالیت مشغول بودند. نظم بخشیدن به این مکان اقتصادی در سایه تحقق اخلاق حرفه‌ای یکی از مهمترین وظایف حاکمان این عصر بوده است تا بتوانند اوضاع اقتصادی جامعه را بهبود بخشند. خلفای عصر اول عباسیان، اقدامات مناسبی را در پیش گرفتند تا صاحبان حرف با آرامش بیشتر و با دغدغه کمتری به فعالیت بپردازند.

اقدامات خلفا در راستای تحقق اخلاق حرفه‌ای در بازار

در عصر اول عباسیان، خلفا پس از رسیدن به قدرت، به تثبیت اوضاع سیاسی و اقتصادی پرداختند و به چنان پیشرفت‌هایی دست یافتند که قابل مقایسه با هیچ دوره‌ای نیست. در این دوره، خلفا ضرورت برقراری اخلاق حرفه‌ای در جهت انتظام بخشیدن به بازار و نقش آن در توسعه فعالیت اقتصادی را به خوبی درک کردند و سعی کردند در این راستا اقداماتی انجام دهند تا صاحبان حرف با رعایت اخلاق به کسب و کار بپردازند.

۱- انتخاب وزیران و والیان کارآمد

وزیران و والیان نقش مهمی در اداره کشور داشتند. به عبارتی آن‌ها دست راست خلیفه محسوب می‌شدند و هرگونه رفتار و کردار آن‌ها نشانه‌ای از رفتار خلفا به شمار می‌رفت. از این رو، خلفای عصر اول عباسیان سعی کردند اغلب وزیران و والیان شایسته و باکفایت را انتخاب کنند. (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۳۸۲) چنانکه از وزیران ایرانی کارآمد و نظریات آن‌ها در راستای بهبود وضعیت جامعه استقبال کردند. خاندان برامکه از جمله خاندان‌های ایرانی بودند که توانستند اقدامات مفیدی در طول دوران تصدی مسئولیت‌هایی که بر عهده داشتند، انجام دهند. خالد بن برمک در دوران تصدی مسئولیت‌های مالی عصر سفاح، جهت تنظیم کردن درآمد و مخارج دفتری بزرگی آماده کرد و تمام ورود و خروجی‌ها را ثبت کرد. چرا که قبل از وی تمام صورت حساب‌ها در کیسه‌ای ریخته و بدون دسته‌بندی و نظم خاصی بایگانی می‌شدند. (کانپوری، ۱۳۴۸: ۷۸) این اقدام گام مهمی در توسعه اخلاق حرفه‌ای در عصر عباسیان داشت. چرا که از همان ابتدا امور مالیاتی که حساس‌ترین بخش هر حکومتی بود را سامان بخشید و جلوی خیلی از آشفتگی‌ها و بی‌بندوباری‌های مالی را گرفت. منصور خلیفه، پس از سامان بخشیدن به اوضاع سیاسی، جهت پیشرفت اوضاع اقتصادی و برقراری اخلاق در مناطق مختلف سعی کرد والیانی را انتخاب کند که علاوه بر توانایی در اداره امور، از لحاظ اخلاقی نیز بتوانند اعتماد مردم را به سمت حکومت جلب کنند. چرا که مردم به انگیزه برپایی اخلاق و بهبود وضعیت معیشت از آن‌ها حمایت کرده بودند و هرگونه رفتار ناشایست والیان می‌توانست شورش‌هایی به دنبال آورد. (طبری، ۱۳۶۲، ج ۱۱: ۴۹۵۳) از این رو، وی حتی بر رفتار والیان در حین انجام مسئولیت و پس از آن نظارت می‌کرد تا مبادا خطایی از آن‌ها سر بزند و مردم خطای آن‌ها را به پای حکومت بنویسند. به همین دلیل با والیان ناشایست برخورد می‌کرد.

چنانکه ابراهیم بن صالح والی شهر کوفه را به دلیل خیانت در امانت‌داری عزل کرد و وی را مجبور کرد تا هر ثروتی را که در زمان مسئولیت به صورت نامشروع جمع‌آوری کرده بود را به دیوان مظالم تحویل دهد. (همان: ۴۹۹۷) نظارت‌های دقیق وی بر عاملان و کارگزارانش و عدم استفاده از اموال بیت‌المال در راستای تجمل‌خواهی سبب گردید تا به دوانیقی یعنی خسیس معروف گردد. پس از وی، مهدی نیز به تبعیت از رفتار پدر، در انتخاب وزیران و والیان دقت می‌کرد. چنانکه وزیر وی ابو عبیدالله بن معاویه بن یسار، که در زمینه مدیریتی تجربه داشت، نقش مهمی در توسعه اقتصادی و بهبود معیشت مردم داشت. (ابن طقطقی، ۱۳۵۰: ۲۴۸)

در دوره هارون الرشید نیز، یحیی بن خالد با رسیدن به مقام وزارت، اقدامات ارزنده‌ای در ساختار

اقتصادی جامعه انجام داد که بر توسعه اخلاق حرفه‌ای اثرگذار بود. وی با تدبیرش، طوری این دوره را درخشان کرد که قابل مقایسه با هیچ یک از دوران‌های قبل و بعد از هارون از لحاظ ثروت و رفاه نبود. یحیی بن خالد که می‌دانست پیشرفت اوضاع اقتصادی بدون توجه به سیستم مالیاتی امکان‌پذیر نیست، به همراه دو فرزندش فضل و جعفر، به امور مالیاتی نظم و ترتیب تازه‌ای بخشیدند. چنانکه وقتی فضل بن یحیی اداره امور سرزمین‌های شرقی به او سپرده شد، به محض ورود به خراسان ابتدا دستور داد دفتر مالیات‌های معوقه را بسوزانند و دفاتر جدیدی با ساختار منظمی باز کنند. (ابن خلکان، ۱۹۰۰، ج ۴: ۲۹)

۲- سازماندهی نظام مالیاتی

میزان و نحوه دریافت خراج و مالیات یکی از دغدغه‌های مهم مردم و حاکمان بود. سفاح نخستین خلیفه‌ای بود که یک دیوان کل مالیاتی در مرکز خلافت تأسیس کرد و شعبانی را در سایر سرزمین‌ها ایجاد کرد. (کانپوری، ۱۳۴۸: ۱۱۲)

در زمان منصور، تغییراتی در روش دریافت مالیات اتفاق افتاد. در گذشته رسم بر این بود که مالیات را بر اساس مساحت زمین می‌گرفتند. این امر باعث می‌شد تا حتی زمین‌هایی که دچار ویرانی و نابودی شده بودند، نیز مشمول مالیات شوند. اما در زمان خلافت منصور، این شیوه کنار گذاشته شد و به جای آن مقاسمه به کار برده شد. (زیدان، ۱۳۷۲: ۱۷۸) در این روش، حکومت به جای دریافت مالیات سالانه معینی از کشاورزان، در محصول زمین‌های خراجی با کشاورزان سهیم می‌شد. (العینی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۴۷۹) به عنوان مثال یک ثلث یا ربع محصولات برای دولت و برای بقیه برای کشاورز بود. این روش برای کشاورزان منافی نیز به همراه داشت. چرا که در این صورت، اگر تولید محصولات کشاورزی به هر دلیلی اعم از آفت، حمله ملخ‌ها، خشکسالی و... کاهش پیدا می‌کرد، سهم دریافتی حکومت نیز کاهش پیدا می‌کرد و کشاورز دیگر نگران پرداخت مالیات سالانه‌ای بیش از برداشت محصول نبود. (ابن طقطقی، ۱۳۵۰: ۲۴۷) علاوه بر این، وی والیان را به درستکاری و جمع‌آوری خراج بدون ظلم و ستم سفارش کرد. (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ج ۸: ۳۴۷۷)

در زمان خلافت مهدی، روش مقاسمه شکل منسجم‌تری پیدا کرد. چنانکه وی به وزیرش ابوعبیدالله بن معاویه، دستور داد تا کتابی در همین زمینه با بیان احکام و قواعد دقیق شرعی تألیف کند تا افراطی در جمع‌آوری آن صورت نگیرد. (ابن طقطقی، ۱۳۵۰: ۲۴۸) پس از وی، هارون الرشید نیز جهت سامان بخشیدن به مسأله جمع‌آوری خراج و مالیات، به قاضی ابویوسف دستور داد تا کتابی

منسجم‌تری را در این زمینه تألیف کنند. وی در طول دوران تصدی، خلیفه را در جریان معایب و مشکلات اخذ خراج و مالیات قرار داد و با ارائه راهکارهای عملی، از وی درخواست کرد تا اقداماتی را در جهت محو و ابطال برخی از روش‌ها در پیش گیرد. (ابویوسف، ۱۳۹۹: ۱۶) مأمون نیز از دیگر خلفای عصر اول عباسی، جهت تنظیم امور مالیاتی، تمام دفاتر دولتی که در جنگ وی و برادرش سوخته شده بود را سر و سامان بخشید و میزان خراج را بر اساس دو پنجم خمس قرار داد.^۱ (ابن- طقطقی، ۱۳۵۰: ۲۹۸)

۳- روحیه تساهل و تسامح خلفا

خلفای این عصر جهت برقراری آرامش در بازار که به دنبال آن اخلاق در میان صاحبان حرف بیشتر مورد توجه قرار گرفته می‌شد، از عواملی که باعث اختلاف مذهبی، قومی و... می‌شد، پرهیز داشتند و سعی کردند با تساهل و تسامح از آشوب‌ها جلوگیری کنند. (بورلو، ۱۳۸۹: ۹۸) چرا که بغداد از لحاظ ساختار جمعیتی ترکیب بین‌المللی داشت و هرگونه بی‌احتیاطی می‌توانست منازعات طولانی را به وجود آورد. ساکنان این شهر آمیزه‌ای از ملت‌ها با تنوع نژادی و مذهبی بودند که هر یک با انگیزه‌های خاصی همچون کار، تجارت، نظامی‌گری و... وارد این شهر شده بودند. منصور با فراخواندن صنعتگر و صاحب هنر از سرزمین‌های مختلف گروه جدیدی را در این شهر ساکن کرد. برپایی جلسات مناظره و حمایت‌های هارون و مأمون از دانشمندان و مراکز علمی، عالمان و طالبان را از اقصای نقاط دنیای اسلام راهی بغداد کرد. در زمان معتصم نیز علاقه فراوان وی به خرید غلامان ترک، جمعیت زیادی از ترکان ماوراءالنهر، اشروسنه و... به جمع ساکنان دارالخلافه اضافه شدند. از اشاره‌های یعقوبی به ساکنان کوی و محله‌های بغداد برمی‌آید که مهاجران از شهرها و مناطق مختلفی همچون کرمان، بخارا، بلخ، خراسان، موصل، شام و... با مذاهب مختلف بودند. (یعقوبی، ۱۳۵۶ الف: ۲۰) تا نیمه دوم قرن دوم هجری، مردم در کنار یکدیگر با هر نوع تفاوت ظاهری زندگی نسبتاً آرامی را سپری می‌کردند و تعارضات قومی و مذهبی در چارچوب مجالس مناظره یا در قالب مناقب‌گویی یا مثالب‌نویسی، پا را فراتر نمی‌گذاشت و کمتر به جدال‌های طولانی،

۱. میزان خراج مقاسمه به نظر خلفا بستگی داشت که معمولاً از نصف نیز زیادتر بود. که مأمون آن را بر اساس دو پنجم خمس قرار داد (زیدان، ۱۳۷۲: ۱۷۸).

غارت و کشتار منجر نمی‌شد.^۱ (کریمی‌قهی، ۱۳۹۳: ۲۱) اما در عصر دوم خلافت عباسیان (۶۵۶-۲۳۲ ه.ق.)، خلفا با سیاست‌گذاری‌های مذهبی و جهت‌گیری به سمت مذهبی خاص، موجی از تنش و آشوب را در جامعه بغداد دامن زدند. مواردی از این جهت‌گیری‌های سیاسی را می‌توان در سیاست متوکل در حمایت از حنبلیان دستور وی مبنی بر تخریب قبر امام حسین (ع) و دیگر علویان، ممنوعیت عزاداری امام حسین (ع) از سوی القائم به درخواست اهل سنت بغداد اشاره کرد که منجر به آتش‌سوزی‌های عمدی در محلات و بازارهای بغداد گردید. (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۹۳؛ طبری، ۱۳۶۲، ج ۱۵: ۶۴۴۳)

۴- تأمین مواد اولیه مورد نیاز صاحبان حرف

حکومت جهت برقراری اخلاق در میان صاحبان حرف بایستی امکانات لازم را در اختیار آن‌ها قرار دهد تا بتوانند با دغدغه کمتری به فعالیت بپردازند و مانع از گسترش برخی از ردایل اخلاقی همچون احتکار، کم‌فروشی و گران‌فروشی که ناشی از کمبود کالا می‌باشد، گردد. رساندن مواد اولیه به دست صاحبان حرف یکی از مواردی است که حکومت می‌تواند با توجه به توسعه آن، در برقراری اخلاق میان صاحبان حرف نقش داشته باشد. گستردگی مناطق تحت سیطره خلافت عباسیان و برخورداری از تنوع آب و هوایی متفاوت، سبب گردید تا مواد اولیه فراوان در اختیار صاحبان حرف قرار گیرد.

مواد خام مورد نیاز بسیاری از گروه‌های شغلی همچون غذایی و پوشاکی و بهداشتی در درجه اول متکی بر محصولات کشاورزی می‌باشد. به عنوان مثال صنعت عطرسازی و گلابگیری وابسته به انواع گل‌ها و گیاهان، صنعت شکر وابسته به نیشکر، صنعت روغن‌گری، شمع‌سازی و صابون‌سازی وابسته به محصولات کنجد و زیتون، صنعت نساجی وابسته به پنبه، ابریشم و کتان و در حرفه آشپزی بسیاری از غذاها وابسته به حبوبات، گندم، برنج، انواع میوه‌ها و صیفی‌جات بود که توسط کشاورزان کشت و وارد بازار می‌شد. (متز، ۱۳۶۴، ج ۲: ۵۰۱)

تهیه مواد اولیه صاحبان حرف نیازمند توجه و حمایت حکومت به رونق کشاورزی بود. اساس کار کشاورزی به آب بستگی دارد. تأمین آب مورد نیاز کشاورزان یکی از مهمترین دغدغه مردم بود که نیازمند توجه بیشتری از سوی حکومت بود. در این عصر، کشاورزان از آب رودخانه‌ها برای آبیاری محصولات زراعی استفاده می‌کردند. اما میزان آن مخصوصاً زمانی که بارش باران کم و سطح آب رودخانه‌ها کاهش می‌یافت، جوابگوی نیاز کشاورزان نبود. از این رو، خلفای این عصر اقدامات مفیدی

۱. این موضوع را می‌توان در تعداد آشوب‌ها و آتش‌سوزی‌هایی که در عصر دوم خلافت عباسیان در منابع ذکر شده است، مورد مقایسه و سنجش قرار داد.

در این راستا انجام دادند. چنانکه کمبود آب فرات در زمان خلافت منصور، این خلیفه را بر آن داشت تا از طریق احداث کانال‌ها، مسأله آبیاری منطقه عراق را حل کند. (حسن، ۱۳۳۸، ج ۲: ۲۳۲)

آبیاری از طریق قنات‌ها نیز مورد توجه خلفا و امیران عصر عباسیان بود. مناطق شرقی این خلافت که از رودخانه‌های بزرگ فاصله زیادی داشتند، به شیوه قنات، محصولات زراعی را آبیاری می‌کردند. در این سرزمین‌ها، آب باران را جمع‌آوری و به مسیری مشخص هدایت می‌کردند و از طریق کانال به مزارع و باغات می‌رساندند. قنات به اندازه‌ای در وضعیت کشاورزی و امرار معاش مردم مهم و گره‌گشا بود که حفر آن جزء درخواست‌های والیان و قاضیان از خلیفه و در زمره کارهای نیک افراد محسوب می‌شد و موجب خوشنامی افراد می‌گردید. (مکی، ۱۳۹۸: ۲۵۵)

در این عصر، خاندان طاهریان به مسأله آبیاری و حل مشکلاتی که در این زمینه میان کشاورزان وجود داشت، توجه و اهتمام زیادی می‌کردند. وجود مشکلات آبیاری باعث شده بود تا عبدالله بن طاهر، مبلغ یک میلیون درهم برای ایجاد قنات اختصاص دهد و همه فقهای خراسان را جمع و دستور دهد تا کتابی در زمینه احکام آبیاری و قنات به نام «القنی و الانهار» تألیف کنند. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۰۱)

۵- توسعه تجارت

تولید محصول از یک طرف و توزیع آن توسط تجار از سوی دیگر نقش مهمی در تهیه مواد اولیه و در اختیار قرار دادن آن به صاحبان حرف دارد. کشاورزان و معدن‌داران هرچند مواد خام بسیاری از حرف را تولید می‌کردند، اما بایستی در اسرع وقت به دست صاحبان حرف می‌رسید تا کمبود آن باعث بی‌نظمی و آشوب در بازار نگردد. فراهم‌سازی بسترهای تجارت از دیگر اقدامات خلفای این عصر می‌باشد.

تجارت در این زمان به اندازه‌ای مهم بود که تاجران به خاطر برطرف کردن نیازهای مادی مردم و تأثیری که در پیشرفت اوضاع اقتصادی جامعه داشتند، از چنان جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بودند و به عنوان یکی از مظاهر تمدن اسلامی محسوب می‌شدند. (متز، ۱۳۶۴، ج ۲: ۵۰۷) تجارت رابطه مستقیمی با امنیت راه‌ها داشت. از این رو، خلفای این عصر، جهت تأمین امنیت راه‌ها، با غارتگران و دزدان دریایی و زمینی مقابله کردند تا تاجران انگیزه لازم برای فعالیت داشته باشند.

نقش زیاد تجارت در توسعه اقتصادی باعث شده بود تا منصور از همان ابتدای ساخت بغداد به موقعیت جغرافیایی این سرزمین دقت کند تا در محلی مستقر شود که راه برای رشد و پیشرفت اقتصادی داشته باشد و بر این باور بود که خلیفه باید در سرزمینی مستقر شود که راه برای تجارت دریایی و زمینی داشته باشد و از هر طرف کالا بدان وارد شود. شهر بغداد چنین ویژگی‌هایی را داشت. به طوری که چهار راه ارتباطی بود و از شام، جزیره، مصر، هند، سند، آذربایجان و... کالا بدان وارد

می‌شد. (لسترنج، ۱۳۷۷: ۸۹)

تجارت از دو راه زمینی و دریایی انجام می‌شد. تجارت دریایی اغلب برای حمل و نقل محصولات فاسد شدنی همچون مواد غذایی و سبزیجات برای مسافت‌های طولانی و سرزمین‌هایی که به دریا و رودخانه دسترسی داشته‌اند، کاربرد داشت. (بیگلر، ۱۳۹۵: ۴۲-۴۱) کشتی‌های حامل مواد غذایی و غیره تا مرزهای دور در دریاها حرکت داشتند. چنانکه حتی مسلمانان این عصر توانستند راه تجاری روس در شمال را باز کنند و به تجارت با مردم روس بپردازند. (متز، ۱۳۶۴، ج ۲: ۵۰۹) در این زمان تجارت دریایی حتی به چین و هند نیز انجام می‌شد. چنانکه ابوعبیده عبدالله قاسم، نضر بن میمون و سلیمان سیرافی از جمله تاجرانی بودند که با این سرزمین‌ها تجارت داشتند. (سیرافی، ۱۳۸۱: ۱۴) در این عصر تجارت زمینی نیز رونق زیادی داشت و کالاهای متعدد و متنوعی وارد و صادر می‌شد. از این راه، بیشتر برای شهرهایی که به دریا و رودخانه راه نداشتند، مسافت‌های کوتاه و مبادله انواع محصولات خشکبار استفاده می‌شد. از میان راه‌های زمینی منتهی به بغداد می‌توان به راه موصل - بغداد، شام - بغداد، ایران - بغداد اشاره کرد. در این راه‌ها، کالاهایی همچون برنج، گندم و کتان از مصر، میوه از سوریه، انواع پارچه و عطر از ایران، غله، عسل و پنیر از موصل و روغن زیتون و صابون از رقه به بغداد صادر می‌شد. (لسترنج، ۱۳۷۷: ۱۲۴، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۳۴)

خلفا جهت رونق تجارت زمینی، با ساختن پل‌ها بر روی رودخانه‌ها، احداث آب‌انبار و کاروان‌سرا، بستر را برای این تجارت فراهم ساختند. چنانکه هارون الرشید از جمله خلفایی بود، که با برقراری امنیت راه‌ها، ساخت رباط و آبگیر در مسیر شام تا عراق و حجاز به رونق این تجارت کمک کرد. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۹۸؛ ابن‌فضلان، ۱۳۴۵: ۱۶۷)

علاوه بر تأمین امنیت راه‌ها، گردش نظام پولی از دیگر دغدغه‌های تاجران بود. حمل و نقل سکه‌ای به ویژه زر و سیم معضلاتی همچون سنگینی و ترس از غارت به دنبال داشت. از این رو، خلفا برای رفع چنین مشکلی، استفاده از سفته رواج دادند تا روش پرداختی به صورت ایمن، سبک و سهل‌الوصول انجام شود.

در صدر اسلام، سفته کاربرد بسیار محدودی داشت. چنانکه بیشترین استفاده‌کنندگان از سفته در این زمان ابن‌عباس و ابن‌زبیر بودند.^۱ (سرخسی، ۱۳۲۴، ج ۱۴: ۳۷) در دوره اموی نیز تا جایی که جهشیاری بیان کرده است در ایام خلافت مروان بن محمد مالیات بعضی از مناطق به صورت سفته

۱. چنانکه ابن‌زبیر، درهم‌های نقره را در مکه از بازرگانان می‌گرفت و سپس به بصره و کوفه حواله می‌داد و آنان نیز در ازای آن مسکوکات پول دریافت می‌کردند.

به بصره ارسال می‌شد. (جهشیاری، ۱۹۳۸: ۴۷) اما در خلافت عباسیان، سفته نقش بارزی در معاملات تجاری داشت. صرافان این عصر، علاوه بر نگهداری و تبدیل پول، سفته‌ای به تاجران می‌دادند تا به صراف دیگر در شهر دیگری که قابل اعتماد صراف اول بود، مراجعه و با تحویل سفته، پول خود را دریافت کنند. (عالم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۴۰-۱۳۹) این سفته‌ها به اندازه‌ای اعتبار داشتند که حتی زمانی که دولت در مواقع بحران مالی، از تاجران و بازرگانان درخواست کمک مالی و وام می‌کردند، به دادن سفته اقدام می‌کردند. (ربانی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۲)

پس از ورود کالا به شهر توسط تاجران، شیخ هر صنفی وظیفه تحویل و توزیع کالا میان صاحبان حرف را داشت. وی موظف بود میزان کالاهایی که از راه دریا یا خشکی وارد شهر می‌شدند را رصد کند و بدون عیب و نقص آن‌ها را تحویل بگیرد. سپس بر اساس نیاز جامعه به توزیع و نرخ-گذاری اقدام کند. از این رو، شیخ ابتدا نیاز صاحبان حرف به مواد اولیه را برطرف می‌کرد و بعد در صورت مازاد به برخی صاحبان حرف، اجازه انبار کردن می‌داد تا کمبود آن باعث گسترش ردایل اخلاقی در بازار نگردد. (شیخلی، ۱۳۶۲: ۸۹)

۶- نظارت بر بازار

با گسترش بازار و اشتغال صاحبان حرف مختلف مهاجر با آداب و رسوم مختلف از یک طرف و خودخواهی برخی از صاحبان حرفی که به دنبال سود بیشتری از هر راه غیر اخلاقی بودند از طرف دیگر، باعث ایجاد نوعی بی‌نظمی و عدم هماهنگی در بازار گردید که ضرورت را برای نظارت بیشتر کرد. اهمیت این موضوع سبب تأسیس نهاد نظارتی - حکومتی «دارالحسبه» از همان ابتدای خلافت عصر عباسیان گردید. محتسب متولی این نهاد با دو راهکار ایجابی و سلبی این مسئولیت را انجام می‌داد. (ولایتی، ۱۳۸۲: ۱۵۵) وی در راهکار ایجابی، با بیان وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی صاحبان حرف، به هدایت و راهنمایی صاحبان حرف می‌پرداخت و در راهکار سلبی نیز با هدف جلوگیری از سوءاستفاده برخی از صاحبان حرف، به پیشگیری و ممانعت از رفتار ناشایست آن‌ها اقدام می‌کرد.

از آنجایی که محتسب با نهاد اقتصاد در ارتباط بود، ویژگی‌های اخلاقی حاوی ارزش‌های اقتصادی نیز جزء شرایط محتسب محسوب می‌شد. چنانکه اشخاص فرومایه، بسیار سهل‌گیر و یا طمع‌کار به اموال مردم به دلیل داشتن زمینه‌های فساد زیاد، برای این منصب انتخاب نمی‌شدند (سقطی، ۱۹۳۱: ۵) علاوه بر این محتسب بایستی از یک سری ویژگی‌های اختصاصی نیز برخوردار بود تا خود موجب ترویج اخلاق ناپسند نگردد. از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی همچون: پاکی، مدارا، سهل‌گیری، جوانمردی، رعایت احکام شرع، نیت خالص و پرهیزکاری اشاره کرد (ابن

اخوه، ۱۳۴۷: ۱۷-۱۵؛ نظام‌الملک، ۱۳۷۸: ۶۱).

نقش کاربردی این نهاد در برقراری آرامش و نظم جامعه باعث شده بود تا خلیفه شخصاً در پایتخت مسئول انتخاب این فرد و در سایر شهرها نیز والیان عهده‌دار گزینش چنین فردی باشند. در اکثر موارد محتسب از میان قاضیان انتخاب می‌شد (ابن خلکان، ۱۹۰۰: ۴۰۶/۱). حوزه قدرت و اختیارات محتسب به قدرت خلفا نیز بستگی داشت. زمانی که خلفا، قدرت داشتند و بر کار محتسبان رسیدگی می‌کردند، از محتسبان خطایی کمتر دیده می‌شد. اما با ضعف خلفا، برخی از محتسبان نیز از این فرصت استفاده می‌کردند و برای بدست آوردن سود بیشتر حتی حاضر به گرفتن هدیه، رشوه و مخفی نگهداشتن اشتباهات صاحبان حرف خطاکار نیز می‌شدند (شیزری، ۱۴۲۴: ۲۲۸).

در عصر اول عباسیان، خلفا علاوه بر اینکه سعی کرد تا افراد متدین، امین و خوشنام را به این سمت منصوب کند، شخصاً بر رفتار محتسبان نظارت کرد و با آن‌هایی که به جای برقراری نظم در بازار، محل آرامش این مکان شده بودند، به صورت جدی برخورد کرد. چنانکه منصور دستور داد ابوزکریا محتسب بغداد را به خاطر همدستی با متخلفان به قتل برسانند. (طبری، ۱۳۶۲، ج ۱۱: ۴۹۲۰) اما در عصر دوم خلافت عباسیان، ضعف خلفا در اداره امور باعث شد تا مناصب مهم اخلاقی بدون توجه به شایستگی و لیاقت به مزایده گذاشته شود و به افرادی واگذار شد که تعهد مالی بیشتری را وعده می‌دادند (منتظری، ۱۳۸۷: ۱۲۲). مسلم است در چنین شرایطی که محتسب به وسیله پول سمتی را به دست آورده بود، از طریق گرفتن رشوه و چشم‌پوشی از خطاهای صاحبان حرف چیزی بیش از مبلغی که صرف مزایده کرده بود، به دست می‌آورد. بدست آوردن مناصب به این شکل باعث شده بود تا محتسبان دغدغه رعایت اخلاق در جامعه را نداشته باشند و بیشتر وقت خود را به تبعیت از خلفا و والیان صرف خوشگذرانی کنند. چنانکه در زمان مقتدر این موضوع به اندازه‌ای شدت داشت که علی بن عیسی وزیر وی به رفتار محتسب بغداد که غالباً در خانه می‌نشست اعتراض کرد و در نامه‌ای به او نوشت: «حسب با پوشیدگی و دوری از مردم سازگار نیست، در بازارها بگرد تا روزی خدا به تو حلال باشد و به خدا سوگند اگر در خانه بنشین، موجب کفر الهی خواهی بود» (ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۲۰۶).

علاوه بر دارالحسبه، نهاد اصناف نقش نظارتی در بازار داشت. این نهاد علاوه بر آموزش‌های تخصصی و اخلاقی به افراد تازه‌وارد، بر اعمال و رفتار صاحبان حرف در حین کار نیز نظارت می‌کرد. تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، همکاری و تعاون در شرایط سخت، توجه به رعایت بهداشت از جمله مواردی بود که آن‌ها در طول آموزش و پس از آن بدان تأکید داشتند. اصناف در این عصر، از ساختار منظم و منسجمی برخوردار بود. شیخ هر صنفی از بین فاضل‌ترین و اخلاق‌مدارترین افراد هر صنفی

انتخاب می‌شد. پس از انتخاب شیخ، پیوسته دستگاه حکومتی بر رفتار وی نظارت می‌کرد تا در صورت داشتن رفتار ناشایست، عزل شوند. چنانکه هارون الرشید در زمان خلافتش دستور داد تا همه شیخ بازار بغداد که هفتاد و سه نفر بودند را امتحان کنند و در صورت شایستگی در سمت‌شان باقی بگذارند و در غیر این صورت برکنار شوند. (شیخلی، ۱۳۶۲: ۱۱۹)

۷- کمک به بازاریان در شرایط بحرانی

خلفا علاوه بر فراهم سازی زیرساخت‌های لازم، در مواقع بحرانی نیز کمک‌رسان صاحبان حرف بودند. چنانکه در زمان معتصم، آتش‌سوزی در بازار خرازان بغداد، موجب خسارت زیادی بر بازاریان شد. این خلیفه مبلغ پنج هزار درهم را به این بازار اختصاص داد تا در میان آن‌ها تقسیم شود و جبران بخشی از خسارت‌ها شود. (تنوخی، ۲۰۱۲، ج ۲: ۳۹۰) یا اینکه در عصر واثق (حک: ۲۳۲-۲۳۷ ه.ق.) بعد از آتش‌سوزی‌هایی که در بغداد رخ داد، خلیفه مبلغ بسیاری به بازرگانان داد تا به ترمیم بازار بپردازند. (یعقوبی، ۱۳۸۲ ب، ج ۲: ۵۱۱)

نتیجه

در آستانه ظهور خلافت عباسیان مناطق مختلف جهان اسلام درگیر جنگ و هرج و مرج‌های زیادی شد. با تسلط عباسیان بر شام، این منطقه از مرکزیت جهان اسلام خارج شد و جای خود را به شهر تازه تأسیس بغداد سپرد. ویرانی‌های پیشین ناشی از جنگ و کساد در کسب و کار از یک طرف، توسعه بخشیدن به شهر بغداد از سوی دیگر، اخلاق حرفه‌ای جهت ایجاد نظم در بازار را به یک ضرورت تبدیل کرد.

عصر اول عباسیان (۲۳۲-۱۳۲ ه.ق.) که مقارن با تمرکز در نظام دیوان‌سالاری می‌باشد، شامل ویژگی‌هایی همچون: نیرومندی خلافت، استقلال کامل آن، متمرکز بودن بودن قدرت در دست خلفا، توانایی آن‌ها در اداره و یکپارچگی حکومت می‌باشد. در این بازه زمانی خلفا پس از برقراری امنیت سیاسی، اقدامات متعددی در راستای توسعه اقتصادی انجام دادند. یکی از اقدامات مهم آن‌ها در این راستا، برقراری نظم و آرامش در بازار - مهمترین کانون اقتصادی - بود. تحقق نظم و آرامش در بازار بدون توجه به اخلاق حرفه‌ای امکان‌پذیر نبود. از این رو، دستگاه خلافت اقدامات متعددی را در این راستا انجام دادند. انتخاب وزیران و والیان کارآمد یکی از گام‌های آن‌ها در تحقق اخلاق حرفه‌ای بود. خلفای این عصر، حتی از وزیران باتجربه ایرانی همچون خاندان برمکه استقبال کردند و مسئولیت‌های مهم اداری و مالی را به آن‌ها محول کردند تا بتوانند تصمیمات مناسبی جهت رفاه حال صاحبان حرف و کاهش رذایل اخلاقی بردارند. سامان بخشیدن به امور مالیاتی از دیگر راهکارهای خلفا در برقراری اخلاق حرفه‌ای بود. شیوه اخذ خراج و مالیات‌های سنگین در عصر اموی بیشتر فشار را بر صاحبان حرف وارد و زمینه را برای گسترش رذایل اخلاقی همچون رباخواری، کم‌فروشی، گران‌فروشی و... ایجاد می‌کرد. این موضوع سبب گردید تا خلفای این عصر کسانی را مأمور کنند تا معایب و مشکلات راه‌های دریافت خراج و مالیات را بررسی کنند و با ارائه راهکارهای عملی بتوانند اصلاحات لازم را انجام دهند و نقش مهمی در توسعه اخلاق حرفه‌ای داشته باشند.

داشتن روحیه تساهل و تسامح خلفا گام دیگری در برقراری آرامش و تقویت اخلاق حرفه‌ای بود. خلفای این عصر نسبت به دوره دوم خلافت عباسیان، سعی کردند از اختلافات مذهبی، نژادی، قومیتی پرهیز کنند تا صاحبان حرف مختلف بتوانند در کنار یکدیگر به راحتی به کسب و کار بپردازند و توان خود را به جای درگیری‌های داخلی، صرف همکاری و تعاون بیشتر کنند.

تهیه مواد اولیه مورد نیاز صاحبان حرف در بازار و توسعه تجارت از دیگر اقدامات خلفای این عصر در راستای تحقق اخلاق حرفه‌ای به شمار می‌رود. توجه به این امر باعث شد تا مواد اولیه در در اسرع وقت به دست صاحبان حرف در بازار رسد و کمبود آن باعث آشوب در بازار و گسترش برخی از رذایل اخلاقی همچون احتکار و گران‌فروشی نگردد.

تثبیت فتوحات در عصر عباسیان و مهاجرت صاحبان حرف مناطق مفتوحه به پایتخت و ایجاد شهرهای جدید اسلامی و تمایل روزافزون اعراب نومسلمان به اسکان در شهرها با اخلاق‌های ترکیبی باعث ایجاد نوعی ناهمگونی و بی‌نظمی در سطح جامعه گردید. در کنار آن‌ها عده دیگری از صاحبان حرف بودند که به سود معقول راضی نبودند و به دنبال سود بیشتری از راه‌های غیر اخلاقی بودند. هر دو اینها نیازمند راهنمایی و نظارت بیشتری بودند. خلافت عباسیان از همان ابتدا، ضرورت این امر را احساس کرد و نهاد نظارتی - حکومتی منسجمی با نام «دارالحسبه» را ایجاد کرد. محتسب متولی این نهاد، با دو راهکار ایجابی و سلبی، بر اخلاق صاحبان حرف نظارت می‌کرد.

کمک به بازاریان در شرایط بحرانی از دیگر موارد مورد توجه خلفای این عصر جهت برقراری اخلاق در بازار بود. رخ دادن حوادث ناگواری همچون آتش سوزی موجب از بین رفتن کالاهای صاحبان حرف می‌گردد. خلفای این عصر، در این زمان‌ها سعی کردند با حمایت‌های مالی، جلوی رشد برخی از رذایل اخلاق همچون کم‌فروشی و گران‌فروشی که تبعات منفی چنین اتفاقاتی است را بگیرند.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۴). تاریخ کامل، ترجمه سید حسین روحانی، تهران، اساطیر، ج ۸.
۲. ابن‌بسام، محمد بن احمد (۱۴۲۴). نه‌ایه‌الرتبه فی طلب الحسبه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. ابن‌جبیر، محمد بن احمد بن جبیر (۱۳۷۰). سفرنامه ابن‌جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۴. ابن‌خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین (۱۹۰۰). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، بیروت، دارصادر.
۵. ابن‌طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۳۵۰). تاریخ فخری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۶. ابن‌فضلان، احمد بن فضلان بن عباس بن راشد (۱۳۴۵). سفرنامه ابن‌فضلان، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۷. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم (۱۳۹۹). الخراج، ترجمه سید محمدرحیم ربانی‌زاده، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. بورلو، ژوزف (۱۳۸۹). تمدن اسلامی، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۹. بیگلر، محسن (۱۳۹۵). پایان‌نامه حیات پیشه‌وری در عصر عباسیان با تأکید بر سرزمین‌های شرقی خلافت تا پایان آل‌بویه، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
۱۰. تنوخ، محسن بن علی (۱۹۹۵). نشوار المحاضره و اخبار المذاکره. بیروت، دارصادر، ج ۲.
۱۱. جهشیاری، ابی‌عبدالله محمد بن عبدوس (۱۹۳۸). الوزراء و الکتاب، قاهره، مطبعه مصطفی البابي الحلبي و اولاده.
۱۲. حسن، ابراهیم حسن (۱۳۳۸). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، کتاب-فروشی اسلامیة.
۱۳. دخیل، سلیمان (بی‌تا). الفوز بالمراد فی تاریخ بغداد، بغداد، دارالآفاق العربیه.
۱۴. ربانی‌زاده، سید محمد رحیم (۱۳۹۱). گردش نظام پولی خلافت عباسیان در قالب چک و سفته، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول، ص ۶۲-۴۷.
۱۵. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر.
۱۶. زیدان، جرجی (۱۳۷۲). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
۱۷. سرخسی، ابوبکر محمد بن ابی‌سهل (۱۳۲۴ ه.ق.). المبسوط، بیروت، دارالمعرفه للطباعة و

النشر.

۱۸. سیرافی، سلیمان (۱۳۸۱). سلسله‌التواریخ یا اخبار الصین و الهند، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران، اساطیر.

۱۹. شیخلی، صباح ابراهیم سعید (۱۳۶۲). اصناف در عصر عباسیان، ترجمه هادی عالم‌زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۲۰. شیزری، عبدالرحمن بن عبدالله (۱۴۲۴). نه‌ایه‌الرتبه فی طلب الحسبه، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۲۱. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). تاریخ‌الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ج ۱۴، ۱۱.

۲۲. عالم‌زاده، هادی (۱۳۸۳). "تطور و رشد اقتصادی در عصر عباسیان"، نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، شماره ده، ص ۱۵۴-۱۲۵.

۲۳. عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۹۹)، الحیاه السیاسه للامام الرضا (ع)، بیروت، دارالتبلیغ الاسلامی.

۲۴. العینی، بدرالدین (۱۴۲۰). البنایه شرح الهدایه، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۲۵. کانپوری، عبدالرزاق (۱۳۴۸). دورنمایی از عصر طلایی اسلام و دستگاه خلفای عباسی، تهران، کتابخانه سنایی.

۲۶. کریمی‌قهی، منصوره (۱۳۹۳). منازعات مذهبی بغداد در خلافت عباسی، تهران، آرنا.

۲۷. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۶۳). زین الاخبار، به تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.

۲۸. لسترنج، گی (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۹. لومبارد، موریس (۱۳۹۰). جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

۳۰. متز، آدام (۱۳۶۴). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ج ۲، ۱.

۳۱. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۲). مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲.

۳۲. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۳۳. مکی، محمد کاظم (۱۳۹۸). تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت.
۳۴. منتظری، غلامرضا (۱۳۸۷). "دیوان حسبه و شرایط احراز آن در عصر عباسیان"، نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۱۷، صص ۱۲۶-۱۱۱.
۳۵. نظام الملک، حسن بن علی (۱۳۷۸). سیاست نامه، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۳۶. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۲). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.
۳۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۶). البلدان، مترجم محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲.